

عالمان شیعه و تاریخ قرآن از دیدگاه مستشرقان*

محمد جواد اسکندارلو** و مریم نقدی نسب***

چکیده

تاریخ قرآن و موضوعات آن از مسائل مهم حوزه اسلام است که همواره کانون توجه قرآن پژوهان مسلمان و غیرمسلمان بوده است. به نظر می‌رسد مطالعات گسترده خاورشناسان که با تکیه بر پیش فرض‌های خاص آنان بوده، سعی در نادیده گرفتن آثار شیعه در این موضوع مهم داشته‌اند. خاورشناسان در کنار منابع مسیحی و یهودی، همگی از منابع اهل سنت استفاده کرده‌اند که پیش فرض‌های غرض ورزانه و نتیجه گیری‌های اشتباه را در موضوعات تاریخ قرآن در پی داشته است. اکثر مطالعات تاریخ قرآن مستشرقان، برگرفته از تاریخ قرآن نولدکه بوده است. در این نوشتار سعی شده نظرات خاورشناسان پیرامون نقش شیعه در تاریخ قرآن با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بررسی گردد.

واژگان کلیدی: قرآن، شیعه، تاریخ قرآن، مستشرقان.

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵.

** . دانشیار جامعه المصطفیٰ العالمیه: mj_ eskandarlo@miu.ac.ir .

*** . دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم میبد (نویسنده مسئول):
naghdinasab@gmail.com

آغاز خاورشناسی از دوره جنگ‌های صلیبی شروع گردیده و اروپاییان در اثر این سفر اجباری و جنبش اضطرابی که به جانب شرق نموده‌اند، از همان روز به واسطه این حرکت جهانگردی و دیانوردی نتیجه شایان گرفته و به گنجینه‌های نهان و اسرار نهفته شرق و دانش اسلامیان پی برده آن را نمونه و سرمشق یا سرمایه علم و هنر خود قرار داده و در اثر آن مراتب و درجاتی را طی نموده و به مقاماتی رسیده‌اند که هم امروزه مشهود است و بدین جهت محسود تمام ملل روی زمین بلکه استاد و پیشرو تمام افراد بشر در علم و عمل شده خود را بهتر و دانش و آگاهی و بینش به دنیا معرفی نموده‌اند اسلام به عنوان دین جاودان ابعاد بسیار وسیعی دارد. از این رو مطالعات اسلامی مستشرقین، حوزه‌ها و زمینه‌های متعددی را در بر گرفته است (رک: زمانی، آشنایی با استشرق و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۸: ۴۵).

مستشرقین با یادگیری زبان عربی توجه خود را به نسخ خطی و ترجمه آثار اسلامی و چاپ قرآن معطوف نمودند. به طوری که از بارزترین جلوه‌های خاورشناسی و اسلام‌شناسی آنان ترجمه قرآن به دو صورت کلی و جزئی بوده است (علی الصغیر، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۷۲: ۵۷).

علاوه بر توجه خاورشناسان به ترجمه قرآن به زبان‌های گوناگون، پژوهش در باب تاریخ قرآن از همه چشمگیرتر بوده است، به طوری که سر فصل مطالعات آنان در باب قرآن‌پژوهی مسائلی چون؛ نزول، ساخت، ترکیب، قرائت، لهجه‌ها، تدوین و نگارش قرآن است (همان، ۳۱). توجه به تاریخ قرآن نیز از اوایل قرن نوزدهم تا نیمه دوم قرن بیستم، با طرح شبهاتی نظیر تأثیرپذیری و اقتباس از ادیان^[۱] و شرایط حاکم بر نزول، ادامه یافت.

همچنین فعالیت‌های دیگر آنان در این زمینه فهرست‌بندی و تصحیح متون و معجم‌نگاری لفظی و موضوعی قرآن^[۲] تدوین دایرة المعارف ویژه قرآن^[۳] بوده، که برای مسلمانان نیز دارای ارزش است.

پرسی که این نوشتار درصدد یافتن پاسخ آن است، به این قرار است: بازتاب نقش شیعه در قرآن‌پژوهی (تاریخ قرآن) خاورشناسان چگونه بوده است؟

الف. مفهوم شناسی

تاریخ قرآن

بسیاری از محققان معتقدند اصطلاح «تاریخ قرآن» یا سرگذشت قرآن برای نخستین بار توسط مستشرقینی نظیر؛ گوستاو وایل (۱۸۰۸-۱۸۸۹م)^[۴] و تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰)^[۵] پیشنهاد شده است (علی الصغیر، خاورپژوهان و پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۷۲: ۳۲-۵۳). تاریخ قرآن بخشی از فلسفه علم قرآن و یا فلسفه علوم قرآنی است که فقط به مباحث تاریخی؛ یعنی مباحثی که به نحوی با عصر و زمان (تاریخ) این علم، ربط داشته باشد، می‌پردازد. تعریفی را برای تاریخ قرآن می‌توان ذکر کرد که ایده آل، مرکب از جنس، فصل، جامع و مانع باشد، یعنی سرگذشت صورت و شکل متن و محتوای قرآن، به عبارتی دیگر سرگذشت قرآن از زمان نزول تا زمانی که مکتوب گشته است.

موضوعات تاریخ قرآنی از قبیل؛ ارتباط (نزول دفعی و تدریجی)، انتقال (شفاهی)، حفظ و نگهداری (حافظه و نگارش)، سازماندهی، کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها، اصلاح شیوه نگارش است که این مباحث زمانمند بوده و بخشی از علوم قرآن به شمار می‌رفته است (جودوی، جزوه درسی، ۱۳۹۲: ۴۰).

البته مباحث مربوط به متن قرآن، موضوع تفسیر است و تاریخ آن تاریخ تفسیر و جزئی از تاریخ قرآن محسوب می‌شود که به دلیل حجم بالا و گستردگی به صورت مستقل در آمده است. همین مطلب در مورد تاریخ قرآن نیز صدق می‌کند یعنی ابتدا در مباحث علوم قرآنی و یا تحت عنوان شناخت قرآن مطرح بوده است (آقایی، تحلیل آماری مباحث تاریخ قرآن در کتاب‌های علوم قرآنی، ۱۳۸۲: ۶۹-۵۶).

باید توجه داشت که قرآن پژوهان شیعی از دو منظر درباره تاریخ قرآن بحث کرده‌اند، عده‌ای بر تاریخ قرآن مستقلاً موضوعیت قائل شده، به صورت مختصر و یا مفصل در مسائل آن به تحقیق پرداخته‌اند که معمولاً آثار آنان تحت عنوان تاریخ قرآن، سرگذشت قرآن و یا مباحثی از علوم قرآنی منتشر شده است. برخی نیز به صورت گذرا به پاره‌ای از مباحث تاریخ قرآن پرداختند که در اصل هدفشان تاریخ قرآن نبوده است (همان).

ب. نقد دیدگاه مستشرقان درباره نقش شیعه در تاریخ قرآن

قرآن معجزه اسلام و دلیل صدق نبوت است و منبع و مأخذ همه معارف دینی و احکام شریعت که از همان روزهای آغازین مورد عنایت مسلمانان به ویژه شیعیان بوده است. نقش

بزرگان و دانشمندان شیعه در عنایت به قرآن کریم قابل توجه است، زیرا قرآن کریم در علوم مختلف اسلامی پایه و اساس شمرده شده است. دانش‌های بسیاری چون: علوم قرآنی، تاریخ قرآن، تفسیر، فقه، حقوق و...، از این کلام نشأت گرفته و دانشمندان بزرگ شیعی در پرتو این کلام الهی تربیت شده‌اند و نوشتارهای فراوانی به وجود آمده است.

قدمای شیعی، کتابی مستقل تحت عنوان تاریخ قرآن، که به مباحث تاریخ قرآنی بپردازد، تألیف نکرده‌اند، بلکه آنان در مقدمه تفاسیر و یا کتب علوم قرآنی، خود به مباحث تاریخ قرآن اشاره کرده‌اند (رک: طوسی، مقدمه تفسیر تبیان، بی‌تا: و فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۴۱۵: و طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ۱۳۷۲: و خوئی، البیان، بی‌تا) و در سال‌های اخیر عنوان «تاریخ قرآن» در بین دانشمندان و قرآن پژوهان رواج پیدا کرده (مانند تاریخ قرآن زنجانی، تاریخ قرآن رامیار، تاریخ قرآن ابیاری، تاریخ قرآن معرفت، تاریخ قرآن حجتی، و غیره...) و کتاب‌هایی در این زمینه به نگارش درآمد، که عموماً مباحث علوم قرآنی با مباحث تاریخ قرآن خلط شده است.

مباحث تاریخ قرآنی حول شش موضوع اصلی قرار دارد: تاریخ ارتباط قرآن، تاریخ انتقال قرآن، تاریخ حفظ و نگهداری قرآن، تاریخ سازماندهی قرآن، تاریخ کیفیت تلفظ و تأثیر لهجه‌ها و اصلاح شیوه نگارش که هر کدام سرگذشتی دارد و بحث مستقلی در تاریخ قرآن است. شیعه به ویژه اهل بیت پیامبر و پیروان ایشان در تمامی این مباحث نقش اصلی را ایفا نموده، یعنی از زمان نزول وحی، تا زمانی که حکومت جهانی برقرار گردد.

ج. بازتاب آثار شیعه در آثار مستشرقین

آشنایی غرب با شیعه تقریباً در خلال جنگ‌های صلیبی آغاز شد و مطالعات دانشگاهی در قرن هفدهم با بهره‌گیری از منابع اهل سنت به معرفی مذهب تشیع پرداخت. خاورشناسان در قرن نوزدهم که بدنام‌ترین دوره شرق‌شناسی نام دارد (مطهری‌نیا، مستشرقان و نبی اعظم، ۱۳۸۸: ۴۲) توجه بیشتری به مطالعات اسلامی نشان دادند. آنان با به کارگیری ابزار تاریخ ادیان و زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی به مطالعه تاریخ، نهادها و فرهنگ و دین اسلام سنی پرداخته‌اند. این حرکت در مورد شیعه به کندی برداشته شد به طوری که هیچ کتابخانه‌ای در اروپا خرید نسخ خطی و یا متون شیعی را در اولویت قرار نمی‌داد و مطالعات درباره شیعه همچنان در پس مطالعات دیگر فرق اسلامی قرار داشت (همان، ۳۸-۵۰). از این رو اطلاعات خاورشناسان در باره شیعه با پیش داوری و تحریف همراه گشت.

هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۸۷)^[۶] در گفتگو با علامه طباطبایی می‌گوید: «تا کنون مستشرقان اطلاعات علمی که از اسلام به دست آورده‌اند و مطالعاتی که در کتب و آثار اسلامی انجام داده‌اند و تماسی که با رجال علمی اسلام گرفته‌اند همه آنها در محیط تسنن بوده و از انظار و عقاید عالمان اهل سنت و تألیفات و آثار آنها تجاوز نکرده است» (طباطبایی، ظهور شیعه، ۱۳۶۰: ۶).

خاورشناسان هر زمان که وارد مباحث اسلامی به ویژه تاریخ قرآن شدند انگیزه اصلی آنان این بوده که نقش شیعه به ویژه اهل بیت علیهم‌السلام و فضایل ایشان را انکار کنند. همچنین رویکرد آنان بر غیر وحیانی بودن قرآن و اقتباس قرآن از منابع قبل از خود یعنی عهدین بوده است. دلیل این جهت‌گیری‌ها را می‌توان از عدم مراجعه مستشرقین به منابع و آثار شیعی و تأکید بیشتر بر منابع اهل سنت و همچنین تأثیر پذیرفتن از خاورشناسان پیش از خود دانست. در ادامه بحث به بررسی دیدگاه مستشرقین می‌پردازیم:

۱. تئودور نولدکه

تئودور نولدکه، مستشرق آلمانی در کتاب تاریخ قرآن خود تنها از چند منبع شیعه نظیر؛ تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر فیض کاشانی، فهرست شیخ طوسی استفاده کرده است. وی روایتی را که امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیه دوم سوره بقره در تفسیر واژه کتاب می‌فرماید: «منظور از کتاب علی علیه‌السلام است که شکی در آن نیست» (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۱/ ۳۰). را از تفسیر علی بن ابراهیم قمی آورده که در ادامه آن را را مخدوش دانسته و انکار می‌کند. همچنین جمع و تدوین قرآن توسط علی علیه‌السلام را امری محال دانسته و ادعا می‌کند شیعه اقدام به روایات ساختگی در این زمینه داشته تا افتخار جمع قرآن را از دیگران سلب کند (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۲۴۳-۲۴۴).

وی با متهم کردن شیعه به اعتقاد به حذف آیاتی از قرآن کریم در رابطه با جانشینی علی علیه‌السلام می‌گوید:

«اگر خلیفه بودن علی علیه‌السلام یکبار در قرآن ذکر شده بود، در آن صورت آن امری لازم بر هیأت انتخابیه بود. پس چطور می‌توان باور کرد که خلافت ایشان در کتاب مقدس و روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر شده باشد و یکی از اعضای هیأت انتخابیه برای تعیین جانشینی و خلیفه، تحریک نشوند، حتی یکی از صحابه نیز آن را ادعا نکرده است» (همان، ۳۲۳).

۲. گلدزیهر

گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱)^[۷] خاورشناس مجاری که در پژوهش‌های قرآنی خود وامدار، تئودور نولدکه است، نه تنها از منابع شیعی در آثارش استفاده نکرده، بلکه باورها و عقاید شیعه را از کتب

ملل و نحل شهرستانی و ملل و نحل ابن حزم اندلسی آورده است و شیعه را به تحریف و کاستی قرآن متهم می‌سازد. وی معتقد است که شیعه آیات سوره احزاب را بیشتر از سوره بقره و سوره نور را بیش از صد آیه می‌داند و همچنین معتقد است که شیعه اعتقادی به مصحف عثمانی ندارد و مصحف علی [علیه السلام] را مورد توجه خود قرار می‌دهد (رک: گلدزیهر، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ۱۳۸۸: بخش تفسیر در پرتو فرقه‌های دینی).

در جایی دیگر می‌نویسد: «در تمام دوران نخستین اسلامی، هیچ گاه روح یگانه‌ای که خواهان نص یکپارچه‌ای برای قرآن باشد به وجود نیامد و از طرف مردم نیز مورد حمایت کامل قرار نگرفت، مگر در دوران متأخر» (همان، ۳۰).

این خاورشناس، با انکار نقش حضرت علی [علیه السلام] به عنوان اولین جامع قرآن در این باره می‌گوید: «نص مورد قبول که به واسطه عنایت و توجه خلیفه سوم (عثمان) از خطر آمیختن با دیگر سخنان محفوظ ماند، گردآوری شد. این نص از صورت یکپارچه‌ای نیز برخوردار نبود و پس از مدتی این روش خلیفه سوم بهره‌ای از اقبال مردمی گرفت و مقبولیت عام یافت» (همان، ۳۱).

گلدزیهر، در بحث اختلاف قرائات با آوردن روایاتی از «تاریخ طبری» و «تاریخ یعقوبی» اختلاف قرائات را ناشی از اضافه نمودن تعلیقاتی بر قرآن توسط صحابه به ویژه ابی بن کعب و ابن مسعود می‌داند که بعدها سبب بروز مشکلاتی نزد مفسران شده است، وی هرچند در ادامه، تعلیقات را برای روشن شدن بیان آیه و یا دفع شبهه و گرفتن نتیجه دینی و منطقی و اثبات حکم شرعی توسط صحابه دانسته است (همان، ۳۸-۳۹).

این خاورشناس مغرض، برای اثبات درستی ادعایش، در تمام موارد خواننده را به کتاب تاریخ طبری و یعقوبی ارجاع می‌دهد که صحت آنها محل تردید بوده و در نزد شیعه از اعتباری برخوردار نیستند. این مستشرق کینه توز بر این باور است که، اضطراب و ناپایداری نص قرآنی و اختلاف قرائت‌ها زمینه وجود تفاسیری شده که هر کدام در راستای تأیید باورهای مفسران بوده است (همان، بخش اول: دوره نخستین تفسیر).

۵۶

گلدزیهر، در بخش تفسیر روایی از کتاب خود به رد و انکار تفسیر شیعه پرداخته و روایات تفسیری منسوب به ابن عباس را مبالغه آمیز و سبب تردید و بی‌اعتمادی در تفسیر دانسته و شیوه تفسیری او را بر گرفته از اهل کتاب می‌داند و سپس نتیجه می‌گیرد که هیچ تفسیر روایی در اختیار نداریم (همان، ۹۷).

وی به سیوطی و تألیفات آن در زمینه علوم قرآنی و تفسیر اشاره می‌کند (همان، ۸۲ و ۱۰۷). طبری و تفسیر منسوب به او و سبک و شیوه تفسیری او را مورد ستایش قرار می‌دهد. وی طبری را فردی آزاد اندیش در روایات و اقوال پیشینیان می‌داند و می‌گوید: «از بزرگ‌ترین مردان علم در جهان اسلامی در همه دوران‌هاست که البته اروپاییان قدر او را زودتر از اینها دانستند» (همان، ۹۹ و ۱۰۲). البته با مراجعه به تفسیر طبری روشن می‌گردد که چرا مستشرقین شیفته این مفسر شده‌اند زیرا متن تفسیر طبری سرشار از اسرائیلیات و انکار مقام اهل بیت علیهم‌السلام است.

۳. رژی بلاشر

رژی بلاشر (۱۹۰۰- معاصر)^[۸] در کتاب «در آستانه قرآن»^[۹] به تاریخ طبری و صحیح بخاری استناد کرده است. وی شیعه و نقش او را در زمینه تاریخ قرآن رد و انکار نموده و همچنین «تفسیر قمی» علی بن ابراهیم قمی و «تفسیر صافی» اثر فیض کاشانی را افراطی دانسته و در مورد آنها می‌گوید: «برای شیعیان مطلب بر سر این است که در قرآن قسمت‌هایی را بیابند که حاکی از اولویت علی علیه‌السلام و اولاد او باشند، اینان می‌گویند اگر در قرآن چنین اشاراتی کمیاب است، علت آن این است که چنین اشاراتی از قرآن حذف شده است» (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۸۷: ۲۴۳ و ۲۴۴).

وی در جایی دیگر می‌نویسد: «پیامبر در زمان خود قرآن کریم را در مصحفی جامع گرد نیاورده، زیرا او و یارانش این اقدام را کفر می‌دانستند و این عمل توسط خلیفه سوم و زیدین ثابت، صورت گشته، بدون اینکه حضرت علی علیه‌السلام [و ابی بن کعب را به نگارش قرآن تعیین کند» (همان، ۴۲ و ۷۶).

۴. فرانتس بوهل

فرانتس بوهل (۱۸۵۰-۱۹۳۲)^[۱۰] تهمت تحریف قرآن را به شیعه نسبت داده و می‌نویسد: «شیعیان معمولاً بر این نکته پافشاری می‌کنند که اهل سنت آیاتی از قرآن حذف کرده و یا بدان آیاتی افزودند. به عقیده اینان مقصود اهل سنت از چنین کاری محو شدن شواهدی بوده که مذهب شیعیان را تأیید می‌کرده است. اهل سنت طبعاً عین همین اتهام را به شیعیان نسبت می‌دهند» (علی الصغیر، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۷۲: ۵۲).

۵. میخائیل براشر

میخائیل براشر^[۱۱] که نظریاتش بر گرفته از گلدزیهر بوده، در مقاله «قرآن و تشیع» به روایاتی استناد می‌کند، تا نتیجه بگیرد، شیعه منکر ارزش مصحف عثمانی است و بسیاری از

عالمان شیعه مانند؛ شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و طبرسی، را نیز متهم به نقصان قرآن می‌کند و می‌گوید: «اینان معتقدند متن کنونی قرآن ناقص است و به عبارتی دیگر آنچه در مصحف عثمانی است، شامل همه وحی‌ای که بر محمد [ﷺ] نازل شده، نیست» (Bar-Asher,) (Shiism and the Qur'an, The Encyclopaedia of Islam, V 4, 594-595).

وی در جایی دیگر آورده که نظریه تحریف در تاریخ شیعه جاودان مانده است و عالمانی چون فیض کاشانی و بحرانی و علامه مجلسی شبهات در مورد سلامت قرآن از تحریف براساس مناقشات ضد سنی خود طبق احادیثی که در مجموعه حدیث و تفسیر متقدم خود داشتند، دوباره احیا کردند (Ibid: P 595).

د. بررسی و تحلیل

عمده مطالعات خاورشناسان در زمینه تاریخ قرآن پیرامون سازماندهی قرآن کریم بوده که بحث‌های دامنه داری را در پی داشته است و همگی جمع و تدوین قرآن را بدون در نظر گرفتن نقش شیعه به ویژه علی (علیه السلام) به دوران خلفای ثلاثه منحصر کرده و از ابتکارات خلیفه سوم دانسته‌اند (گلدزیهر، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ۱۳۸۳: ۳۰).

به نظر می‌رسد مستشرقین، برای فرار از اعتراف به نزول وحی بر پیامبر ﷺ احتمال اقتباس این معارف از تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی پیشین را مطرح کردند و بر آن احتمال آنقدر اصرار ورزیده‌اند تا اثبات نمایند قرآن و شواهد و تشابه‌هایی بین قرآن و تورات و مانند آن است (مطهری نیا، مستشرقان و نبی اعظم، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۸).

پرواضح است که خداوند خود محافظت از کلامش را برای همیشه وعده داده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾ (حجر / ۹)؛ بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کردیم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.

به نظر می‌رسد ادعاهای مستشرقین تنها برای مقابله با الهی و وحیانی بودن قرآن مجید بوده است. عداوت و دشمنی یهود و نصارا نسبت به دین اسلام به خصوص با پیامبر ﷺ مسأله تازه‌ای نبوده است. زیرا که به تعبیر قرآن کریم ﴿... وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبْعِيَٰ مِلَّتَهُمْ﴾ (بقره / ۱۲۰)؛ و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی.

آنان هرگز از پیامبر ﷺ و مسلمانان راضی نخواهند شد، مگر آنکه از آنان پیروی کنند. ادعای نقص قرآن، قول ضعیف و بی پایه‌ای است که هرگز مورد اعتنای مسلمانان قرار نگرفته و متن قرآن کریم هرگز دچار تحریف نشده است، این را خداوند در قرآن کریم تضمین

نموده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴾ (فصلت / ۴۲)؛ «از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده».

آیت الله خوبی در کتاب «البیان فی تفسیر القرآن» روایاتی که جمع و سازماندهی قرآن به خلفای ثلاثه و یا روایاتی که شیعه را مورد اتهام نقیصه بودن قرآن قرار می‌دهد را مردود شمرده و می‌فرماید:

«نسبت دادن جمع آوری قرآن به خلفا و دوران بعد از پیامبر امری است موهوم و پنداری است غلط و بی‌اساس که با قرآن، سنت و عقل و اجماع مخالف بوده و طرفداران تحریف نمی‌توانند از این راه نظریه غلط و بی‌اساس خویش را ثابت نمایند» (خوبی، البیان فی التفسیر القرآن، بی‌تا: ۲۵۶).

در نتیجه سازماندهی قرآن، که چیدمان و تنظیم اجزاء در کل‌های مناسب در راستای هدف نهایی و غایی است، قرآن کریم از حروف، کلمات، آیه‌ها، سوره‌ها، و دسته سوره‌ها تشکیل شده است که قرار دادن این اجزاء در کل‌های مناسب خود در راستای هدف خداوند را سازمان‌دهی قرآن می‌گویند، به صورتی که نه چیزی از آن کم، و نه زیاد و نه جابه‌جا شود؛ یعنی هم از لحاظ نظم و هم از لحاظ ترتیب، سازمان‌دهی قرآن صورت گرفته است و این سازمان‌دهی بر اساس موضوعات داخلی آن به سازمان‌دهی در عصر پیامبر و بعد از ایشان، سازمان‌دهی توسط معصوم و غیر معصوم، به سازمان‌دهی توقیفی و اجتهادی تقسیم می‌شود. سازمان‌دهی قرآن توسط پیامبر و زیر نظر شخصی ایشان در عصر ایشان به‌طور کامل صورت گرفته است و حضرت علی علیه السلام به عنوان اولین سازمان‌دهنده قرآن بوده که به دستور و زیر نظر شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله به سازمان‌دهی قرآن پرداخت ^[۱۲].

بنابراین سازمان‌دهی قرآن بر اساس نزول دفعی و توقیفی است. و قرآن کنونی هیچ تفاوتی با قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد و سازمان‌دهی قرآن فقط و فقط توسط معصوم انجام شده و صحابه در این امر هیچ نقشی نداشته است. عملکرد زید بن ثابت در سازمان‌دهی قرآن برای خلفای اول و دوم کار جدیدی نبود، بلکه سیاستی تجریدی بوده و دقیقاً مقابله مستقیم با بخش تفسیر و حیانی قرآن علی علیه السلام داشته و به جداسازی نکته‌های گزنده آن پرداخته است که مستقیماً هیئت حاکمه غاصب را نشانه می‌رفت.

در مورد مصحف عثمانی و اقدام او فقط تجرید تفاسیر وحی بیانی از قرآن بوده است و قرآن کنونی همان قرآنی است، که بر قلب مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

در نتیجه، عالمان شیعه قائل به جمع و سازماندهی قرآن در زمان خود پیامبر ﷺ هستند و کار عثمان بن عفان، را در حد توحید مصاحف تلقی کرده که باعث شده است مسلمانان بر قرائت واحدی از قرآن جمع شوند. همچنین اقدام عثمان نیز مورد انتقاد هیچ یک از مسلمانان واقع نشده است. مستشرقین تنها بر روایات ضعیف که بیشتر در کتب اهل سنت دیده می شود تکیه کرده‌اند و برخی دیگر از روی دشمنی و عناد به اسلام، دچار گزاره گویی شده و عمل خلفای ثلاثه را که تجرید قرآن از تفسیر و بیان بود را به تحریف (حذف آیات و سوره) تلقی کرده، و آن به شیعه نسبت داده اند

نتیجه

به نظر می‌رسد مستشرقین در مطالعات خود پیرامون تاریخ قرآن، وامدار نظریات تئودر نولدکه، هستند که ماحصل آن کم توجهی به نظرات شیعه و اعتماد به روایات پراکنده و متناقض در کتب غیر معتبر است. آنان معمولاً در مباحث تاریخ قرآنی کوشیده‌اند در کنار هر موضوع و رویداد، علامت سؤال و تردیدی را ایجاد کرده و در بررسی منابع و مآخذ نیز عموماً به آثار معتبر و متفن کمتر عنایت داشته اند. البته ممکن است این امر از عدم دسترسی آنان به این منابع نیز ناشی شود.

همچنین مراجعه نکردن مستشرقین به منابع معتبر شیعه، باعث بروز پیش فرض‌هایی چون غیر وحیانی بودن قرآن و اعتقاد شیعه به قرآنی غیر از قرآن کنونی شده و نیز رویکرد آنان در مطالعات قرآنی، رد و تخطئه قرآن بوده است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] ر.ک: مقاله ادله علما و دانشمندان شیعه در پاسخگویی به شبهات قرآنی مستشرقان با محوریت نظریه اقتباس، از مجموعه آثار کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.

[۲] اولین معجم الفاظ، توسط فلوگل آلمانی در سال ۱۸۴۳ با نام نجوم الفرقان فی اطراف القرآن در لایپزیک منتشر شد. پور طباطبایی، تأثیرات عمیق فلوبل و ژول لابوم بر فهرست نگاری قرآنی، مجله آینه پژوهش، ش ۱۲۱، ۵۹.

[۳] دایرةالمعارف لیدن قرآن، در کشور هلند به سرپرستاری خانم «جین مک اولیف» با همکاری قرآن‌پژوهان غربی و تعدادی از مسلمانان مانند: نصر حامد ابوزید، محمد آرکون در هزار مدخل در سال ۲۰۰۳ م منتشر شد.

[۴] Gusav Weil، از خاورشناسان آلمانی که زبان‌های فارسی، عربی، و ترکی را در مدرسه السنه شرقی فرا گرفت و در زبان و ادبیات عرب به درجه استادی رسید. از آثار او می‌توان به: تاریخ الخلفاء، حضرت محمد ﷺ پیامبر، زندگینامه و تعلیمات او، که در سال ۱۸۴۳ به چاپ رسید اشاره نمود (نیک بین، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق زمین، ۱۳۷۹: ۲/۱۲۰۴-۱۲۰۵).

[۵] Theoder Noeldecke، وی از بزرگترین خاورشناسان جهان است و متخصص در تاریخ قرآن، تاریخ تمدن اسلامی، تاریخ ایران باستان بوده که پایان نامه دکتری او با عنوان «تاریخ قرآن» است، فهرست آثار او، حاوی ۶۳۰ مبحث و ۵۰۰ مقاله در دو جلد به عنوان مطالعات شرقی، در ۱۹۰۶ م به چاپ رسید. از جمله می‌توان زندگانی حضرت محمد ﷺ، تاریخ قرآن رساله درباره تاریخ ماد و هخامنشیان و ساسانیان (۱۸۸۷)، ... بر شمرده (همان، ۲/ ۱۱۳۵-۱۱۴۰).

[۶] Corbin, Henry، متخصص در رموز فلسفه اسلامی به خصوص حکمت اشراق، علم کلام، مذهب تشیع ایرانی و اسماعیلی است در سال ۱۹۴۷ میلادی رئیس ایران شناسی و مؤسسه ایران و فرانسه در تهران شد که در همین جا به گردآوری کتب و تصحیح و تعلیق و ترجمه آثار مخطوط مربوط به فلسفه و عرفان به ویژه آثار سهروردی اقدام کرد (همان، ۲/ ۸۳۷-۸۴۱).

[۷] خاورشناس مجاری، که در حوزه قرآن و حدیث می‌توان کتاب العقیده و الشریعه فی الاسلام، درس‌هایی درباره اسلام، منتخبات قرآن، از وی نام برد. معمولاً آثار او تحت تأثیر افکار یهودی‌اش قرار گرفته، و تأثیر بسزایی در خاورشناسان بعدی خود داشته است (همان، ۲/ ۹۱۱-۹۱۲).

[۸] Blachere, R. مترجم، مفسر و متبحر در زبان و ادبیات عربی است، بیشتر مطالعات او درباره قرآن و زبان و ادبیات عربی است. مهم‌ترین آنها ترجمه قرآن به فرانسه در ۳ جلد (۱۹۴۲-۱۹۵۰)، قرآن: مجموعه چه می‌دانیم (۱۹۶۶) و مسئله محمد (۱۹۵۲) است (همان، ۱/ ۲۰۴-۲۰۶).

[۹] این کتاب توسط دکتر محمود رامیار به فارسی ترجمه شده است.

[۱۰] Buhl, fr ، خاورشناس دانمارکی متخصص در تاریخ سیاسی و ادبیات و قواعد زبان عربی است تحقیقات و آثار او در ترویج و انتشار اسلام و مطالعه و فراگیری عربی فصیح و ادبیات عربی تأثیر فراوانی کرده است. از او آثار می‌توان به: تعلیمات محمد و قرآن، نهضت شیعیان در دولت اموی و مقاله «تعریف اسلام، قرآن» اشاره نمود. (همان، ۱/ ۲۲۷-۲۲۸).

[۱۱] Meir M. Bar-Asher، خاورشناس یهودی، مقاله «قرآن و تشیع» اثر او در دایرة المعارف لیدن جلد ۴ موجود است.

[۱۲] آنچه در آراء بعضی از عالمان اهل تسنن و شیعه به چشم می‌خورد این است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) طبق وصیت و سفارش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آغازگر تدوین قرآن گشت. روایات موجود در بعضی از کتاب‌ها حاکی از این است که علی (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جمع‌آوری و تدوین قرآن اقدام کردند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۲۰۰۱: ۱/ ۲۰۹؛ ابن ندیم، الفهرست، ۱۳۹۸: ۴۱؛ کاتب واقدی، طبقات الکبری، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۲۴؛ طبرسی، الإحتجاج، ترجمه: بهراد جعفری، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۹۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۳۱/ ۲۰۵).

منابع

۱. آقای، سید علی، تحلیل آماری مباحث تاریخ قرآن در کتاب های علوم قرآنی، مجله کتاب ماه دین شماره ۸۶ و ۶۹ خرداد و تیر ۱۳۸۲، ۵۶-۶۵
۲. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۳. پورطباطبایی، مجید، تأثیرات عمیق فلویل و ژول لایوم بر فهرست نگاری قرآنی، مجله آینه پژوهش، ش ۱۲۱، ۱۳۸۹، ۵۵-۶۸
۴. زمانی، محمد حسین، آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان، قم: بین الملل المصطفی، ۱۳۸۸.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین. ظهور شیعه، بی جا: نشر فقیه، ۱۳۶۰.
۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ترجمه: بهراد جعفری، ج ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱.
۷. علی الصغیر، محمد حسین، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، محمد صادق شریعت، قم: مطلع فجر، ۱۳۷۲.
۸. کاتب واقدی، محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ترجمه محمود مهدوی، تهران: فرهنگ اندیشه، ۱۳۷۴.
۹. گلدزبهر، ایگناس، گرایش های تفسیری در میان مسلمانان، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۱۰. مطهری نیا، محمود. مستشرقان و نبی اعظم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸.
۱۱. نیک بین، نصرالله. فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق زمین، ج ۲، تهران: آرون، ۱۳۷۹.
۱۲. جودوی، امیر، یزد: جزوه درسی، ۱۳۹۲-۱۳۹۳.
۱۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۹۸-۱۹۷۸ م.
۱۴. خوبی، ابوالقاسم، البیان فی التفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی. دوم: ۲۰۰۱ م.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، سوم: ۱۳۷۲.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، تبیان فی تفسیر قرآن، بیروت: داراحیاء، بی تا.

۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۱. نولدکه، تئودور، تاریخ قرآن، تعریب: جورج تامر، بیروت: دارالنشر جورج المز، ۲۰۰۴م.
22. Meir M. Bar-Asher, Shīsm and the Qur'an, The Encyclopaedia of Islam, V 4, Leiden: London, 2004. 593-604.